

حافظ

دریغ مدت عمرم که بر امید وصال
به سر رسید و نیامد به سر زمان فراق

صفحات: اعلی‌اشهری

صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
مدیر مسئول: محسن مهدیان
سرمدیر: دانیال معمار
مدیر تحریریه: مهدی علیپور
معاونان سردبیر: شروان فرهنگ، علی عمادی
شاهین امین، حامد فوقانی
مدیر فنی: حامد یزدانی
مدیر هنری: مهدی سلامی
مدیر عکس: امیر پناهپور

سیاسی و دیپلماتیک: مدیر حسین ارجلو
شهرنگار: مدیر پروانه بهرام‌نژاد
مدیر مریم باقرپور
اقتصاد: مدیر محسن امین
مدیر مریم موسی‌پور
تماشاکر: مدیر امیر محمد یعقوب‌پور
مدیر لیلی فرسند

ایرانشهر: مدیر زهرا عباسی
تندیس: مدیر زینب سعید میر
مدیر زینب سعید میر
مدیر مریم سرخوش
سرخ: مدیر جواد عزیزی
مدیر سعید فروزی
دیپلماتیک: مدیر علی‌رضا محمودی
مدیر جواد نصرتی
طرح و گرافیک: مدیر محمدعلی حلیمی

خط خطی

معلم‌ها سر کلاس خیلی حرف می‌زنند و روزنامه‌نگارها، قلم و حالا تر کیش، همین می‌شود که می‌خوانید. اینها برگی از یادداشت‌های روزانه یک معلم ساده است و یک روزنامه‌نگار خط خطی.

تبعیض تابستانی

سیدمرویس طباطبایی‌پور

دفتر عزیزم، با آغاز فصل گرم، بساط کلاس‌های تابستانی مدرسه‌ها هم حسابی داغ شده و بچه‌ها مجبورند دوباره اول صبح، رختخواب گرم و نرمشان را رها کنند و برای کسب علم و دانش تابستانی، بزنند بیرون.

امسال من هم برای بچه‌ها، کلاس تابستانی تدارک دیدم، ولی به‌جای تدریس فعل و فاعل و مفعول، سراغ روزنامه‌نگاری رفتم تا لاقال کمی مهارتی و جذاب‌تر باشد. معلوم بود بچه‌ها هم استقبال می‌کنند. از امروز صبح (چهارشنبه) هم در این فکر بودم چه سوره و وایژه را در نخستین جلسه کلاس برای بچه‌ها طرح کنم که جذاب و چالشی باشد تا به روزنامه‌نگاری علاقه‌مند شوند که همان اول صبح، یک ماجرای عجیب، همان سوره‌ای شد که می‌خواستم.

دفتر جان، امروز قبل از مدرسه، باید کتابی را از یکی از دوستان بالا شهر نشینم تحویل می‌گرفتم. کمی زودتر، از خانه بیرون زدم و در خیابان‌های خلوت این روزهای تهران، با شیشه پایین و فرمانی در دست و پایی روی پدال گاز، و پیرای می‌دادم و چپ و راست می‌رفتم که ناگهان در خیابانی باریک، ترافیک مختصری مرا به‌خود آورد. خیابان، از همان خیابان‌های شاهانه و لاکچری بود که اگر می‌خواستی خانه‌های مجلل ایستاده در دو طرف آن را ببینی، کلاه از سرت می‌افتاد. در ترافیک صبحگاهی، ماشینی‌ها، قطار قطار، پشت سر هم ایستاده بودند و بدون عجله، مورچه‌وار، حرکت می‌کردند و گاهی هم توقف.

کمی نگران دیر رسیدن به نخستین جلسه کلاس‌های تابستانی بودم؛ اما بقیه ماشین‌ها، انگار هیچ عجله‌ای نداشتند. اول فکر کردم شاید در صف پمپ‌بنزین گیر کرده‌ام، اما ماشینی جلویی من، از این ماشینی‌های برقی بود و ماجرای صف بنزین، متوقف شد. تنها وجه مشترک دیگر اتومبیل‌ها، وجود یک یا دو دانش‌آموز در صندلی عقب یا جلو بود. حدسم درست بود؛ احتمالا کمی جلوتر، مدرسه‌ای بود و اولیای دانش‌آموزان، بچه‌هایشان را به مدرسه می‌رساندند و البته از نوع مدل ماشینی‌ها، معلوم بود که مدرسه مورد نظر، از مدارس غیرانتفاعی شیکان پیکان است. اما مسئله اینجا بود؛ چرا بچه‌ها، حتی دو یا سه اتومبیل مانده به مدرسه، پیاده نمی‌شوند که ترافیک ایجاد نشود؟

فرصتی پیش آمد تا بتوانم از سمت چپ، سبقتی بگیرم و از دست این صف مرموز خلاص شوم، اما خون روزنامه‌نگاری در رگ‌هایم، مرا مجبور کرد تا در صف ماشینی‌ها بمانم و از ماجرا سر در بیاورم. دفتر جان، چشم‌ت روز بد نبیند که مشاهده دلیل تأخیر ماشینی‌ها و ایجاد ترافیک، غم‌انگیز بود؛ وقتی اتومبیلی در سمت جلوی در مدرسه می‌رسید، تیش ترمزی می‌زد، آنگاه دربان مدرسه، بدو بدو به طرف در عقب یا جلوی اتومبیل می‌دوید و دستگیره در را می‌فشرده و در را با احترام باز می‌کرد و ملکه‌ای از اتومبیل با فخر و خرامان، خارج می‌شد و نفر بعدی، با لبخندی به ملکه خوشامد می‌گفت او را تا دم در می‌رساند و او را با احترام می‌گفت و نفر قبلی دوباره با احترام در اتومبیل را می‌بست و...

یا خدا! باد سعید و حمید، شاگردان کلاس هشتم اقدام که چند هفته پیش، چون واگن‌های مترو، آنقدر پر بوده، نتوانستند سوار شوند و به همین دلیل با تأخیر به مدرسه رسیده بودند و... وقتی از شر این ترافیک تبعیض‌آمیز راحت شدم، دیگر می‌دانستم چه موضوعی را در نخستین جلسه کلاس روزنامه‌نگاری مطرح کنم: «تبعیض»!

زندگی به‌سبک گذشته

جریانی در دنیا شروع شده که در آن مردم با روش‌های باستانی خانه‌هایشان را می‌سازند

مگر پرستوها و مورچه‌ها، همچنان با استفاده از آب و گل، برای خودشان خانه نمی‌سازند؟ مگر دانشمندان به این نتیجه نرسیده‌اند که ۸ درصد تولید دی‌اکسید کربن در جهان، تنها به‌خاطر تولید آهن، سیمان، بتن و دیگر مصالح ساختمانی است و همین کربن اضافه، دمار از روزگار محیط‌زیست و موجودات زنده در می‌آورد؟ پاسخ به همین ۲ سؤال، یک خواهر و برادر هندی را واداشت تا با ساخت خانه‌ای گلی در دل طبیعت، آن هم به شکل کاملاً امروزی و مدرن، آرزوی کودکی خود را به واقعیت تبدیل کنند. آنش و راگا گوهار، هر دو معمارند و برای انجام پروژه خود، فراخوانی منتشر کردند و از علاقه‌مندان خواستند در ازای ساعت‌ها کار در این پروژه، مدتی در اقامتگاه گلی ساخته شده، اقامت را بگیرند. داشته باشند. ۹۰ نفر از ۱۸ ملیت، پاسخ مثبت دادند و این خانه گلی ۱۸۰ متر مربعی در طول ۵۴۸ روز با استفاده از مصالح سنتی مثل گل، گاه و آب، تیرهای چوبی درخت اکالیپتوس و بادستان گروهی از آدم‌ها، مثل یک مجسمه شکل گرفت و ساخته شد. در اینجا تصاویری از این خانه و چند خانه مشابه دیگر را می‌بینیم.



این دو معمار، منحنی‌های طبیعت را پذیرفتند و تلاش کردند برای هماهنگی بیشتر این خانه گلی با طبیعت، آن را منحنی‌وار بسازند.



جنبشی که اخیراً در دنیا فراگیر شده، رفتن روی درخت برای زندگی است. خانه‌های درختی، قدمتی زیاد در جوامع بشری دارند و حالا که بحث بارکشت به روش‌های پیشین مطرح است، این خانه‌ها، نه فقط به‌خاطر اینکه آسیب کمی به طبیعت می‌زند که به‌خاطر زیبایی داخلی و مناظرشان، مورد توجه قرار گرفته‌اند. این خانه درختی در هوکونو در ژاپن، یکی از زیباترین نمونه‌ها در دنیا است.



مصالح ساختمانی سنتی، رویکرد جدید برخی معماران است که جهان را از بار سنگین بتن، خلاص می‌کند. بیجو باهاسکار و همسرش، این خانه را با مصالح سنتی ساختند و برای ترویج این کار در همین مکان، کارگاه نیز برگزار می‌کنند.



پدر و پسر در بمبئی، این خانه را با کاهگل و فضولات گاوساخته‌اند.

عکس خانه

تاکسی پادگانی



تاکسی‌های اینترنتی معمولاً از قوانین مشخصی که شرکت برایشان تعیین کرده، پیروی می‌کنند و اکثر مسافرائی که مشتری ثابت این تاکسی‌ها هستند، با این قوانین آشنایی دارند، مثل اینکه راننده موظف است در فصل گرما کولر روشن کند و شرایط راحتی را برای مسافر فراهم کند. حال این رانندگان تاکسی‌های اینترنتی، بگ راننده پیدا شده که قوانین خودش را دارد و آنها را روی یک کاغذ نوشته و توی ماشینش نصب کرده که جلوی چشم مسافر باشد. روی این کاغذ نوشته: «قوانین ماشینیتم: * تغییر نمی‌تونی تو رانندگی کنی. * به من نگو چجوری رانندگی کنی. * اشغال‌اتو تو ماشینم نریز. * حواست به پلیس نماندگی باشی. * ولوم ضبط رو کم و زیاد نمی‌کنی. * نه، کولر روشن نمی‌کنم. * به هیچ دکمه‌ای دست نمی‌زنی. * آهنگ در خواستی نداریم. فقط ضبط و سبک‌بومون و محکم بگیر. اگر نمی‌تونی این قوانینم رو رعایت کنی، باید پیاده بر گردی خونه!»



هر چه در سفرهای تابستانی سبک‌تر غذا بخوری، بیشتر سالم می‌مانی. از غذاهایی مثل نان و پنیر و خیار و گوجه یا آب‌دوغ خیار در سفر غافل نشوید، چرا که سالم‌ترین غذاها و لذیذترین غذاها همین‌ها هستند؛ به‌خصوص در تابستان که هر چه غذای پرکالری‌تر و چرب‌تری بخوری، گرما بیشتر از دیت‌تان می‌کند و احتمال مسمومیت بیشتر می‌شود.



۵ هر چه در سفرهای تابستانی سبک‌تر غذا بخوری، بیشتر سالم می‌مانی. از غذاهایی مثل نان و پنیر و خیار و گوجه یا آب‌دوغ خیار در سفر غافل نشوید، چرا که سالم‌ترین غذاها و لذیذترین غذاها همین‌ها هستند؛ به‌خصوص در تابستان که هر چه غذای پرکالری‌تر و چرب‌تری بخوری، گرما بیشتر از دیت‌تان می‌کند و احتمال مسمومیت بیشتر می‌شود.

۶ اگر جایی می‌روید که رودخانه یا دریا وجود دارد و می‌خواهید آب‌تنی کنید، اول از همه به علامت‌های هشدار دهنده دقت کنید. به هیچ‌وجه در سدها و رودخانه‌های خوششان شنا نکنید، چرا که ماهرترین شناگرها نیز ممکن است غرق شوند. حتماً در مکان‌هایی که برای شنا در نظر گرفته شده، آب‌تنی کنید و به هشدارهای نجات غریق دقت کنید. اگر فرزندانتان لب ساحل دریا یا رودخانه مشغول بازی هستند حتماً به آنها هشدارهای لازم را بدهید و خودتان نیز مراقب آنها باشید.

۷ بازدید از موزه یا سایر مکان‌های دیدنی سرپوشیده در سفر یکی دیگر از گزینه‌های خوبی است که شما را از ماندن زیر آفتاب محافظت می‌کند؛ به‌ویژه در ساعاتی که آفتاب مستقیم‌رو می‌تابد.



بانجی جامپینگ برای انتخابات

این شور و هیج حزب لیبرال دمکرات انگلیس برای اینکه توجه عمومی را به انتخابات این کشور جلب و مردم را ترغیب کند که برای رأی دادن پای صندوق‌ها بروند، یک روش بامزه و عجیب را اجرا کرده؛ او با بانجی جامپینگ پریده و گویا موفق بوده و توانسته توجه رسانه‌ها و مردم را جلب کند. او پیش‌تر در یک کلاس زومبا در فضای باز با مردم عادی شرکت کرده بود.

آداب سفر در گرما

تابستان فصل سفر و گشت و گذار است؛ به‌ویژه اینکه بچه‌ها از درس و مدرسه فارغ شده‌اند و می‌توانند در یک سفر چندروزه، خستگی یک سال تحصیلی را از تن به‌در کنند. تنها مانعی که موقع برنامه‌ریزی برای مسافرت، بهتر است مناطق خنک‌تر را به‌عنوان مقصد انتخاب کنید. مثلاً می‌توانید به جای رفتن به کویر و سوختن زیر آفتاب، یک شهر ساحلی یا کوهستانی را انتخاب کنید که دمای کمتری داشته باشد.

۱ موقع برنامه‌ریزی برای مسافرت، بهتر است مناطق خنک‌تر را به‌عنوان مقصد انتخاب کنید. مثلاً می‌توانید به جای رفتن به کویر و سوختن زیر آفتاب، یک شهر ساحلی یا کوهستانی را انتخاب کنید که دمای کمتری داشته باشد.

۲ قبل از حرکت و موقع جمع کردن وسایل، یادتان باشد که حتماً عینک آفتابی، کرم ضد آفتاب، کلاه یا چتر آفتاب‌گیر، یک پنکه قابل حمل کوچک و بطری آب همراه داشته باشید.

۳ توجه داشته باشید حتماً وسیله‌ای که آب را خنک نگه می‌دارد، همراه داشته باشید تا

خوش خبر

آزادی زندانی‌ها توسط شهدای خدمت



می‌گویند که برخی افراد بعد از مرگشان هم خبر می‌رسانند، جوری که بعد از نبودشان اعتبار حساب اخرویشان از باقیات الصالحات پر می‌شود. مانند شهدای خدمت که پدری این شهدا برای ۴۰ پاپایی دیگر حتی بعد از شهادتشان ادامه دارد. مردم تبریز در چشم بر هم زدن هر چه در توان داشتند به میدان آوردند و با مشارکت همدیگر ۳۰ زندانی را آزاد کردند و حالا در چهلمین روز شهادت شهدای خدمت هم ۱۰ زندانی غیر عمد دیگر در این شهر به همت آنها آزاد شدند. اینجاست که به من و شما ثابت می‌شود شهدا زنده هستند و نزد پروردگارش روزی می‌خورند.

نیکوکاری زوج‌های شبکه فعالان ازدواج



شبکه فعالان ازدواج از سال ۱۳۸۸ با هدف تسهیل و تحکیم ازدواج راه‌اندازی شده و در همین راستا خدماتی از قبیل مشاوره قبل و بعد از ازدواج و ارائه تسهیلات برای برگزاری جشن عروسی به زوج‌های جوان ارائه می‌دهد. حالا ۲۰۰ زوج که عضو این شبکه هستند، تصمیم گرفته‌اند با مشارکت هم یک کار خیر انجام دهند و بعد راهی خانه بخت شوند؛ این زوج‌های جوان شبکه فعالان ازدواج با اهدای مبلغ ۲۵ میلیون تومان یک زندانی مالی را آزاد و زندگی مشترک خود را ایستاده و با برکت این کار خیر آغاز کرده‌اند.